روزنامه شرق

شنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۵
۲۱ ذی‌القعده ۱۴۴۷
۹ می ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۸۰
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

روایت رئیس جمهوری از دیدار دوساعته با مقام معظم رهبری:

گفت‌وگویی مبتنی بر اعتماد و همدلی با تأکید بر تقویت انسجام ملی

۲

سرمقاله

جنگ رمضان و پیامدهای آن

سیدحسین موسوی

رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

بی‌تردید جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران یکی از تحولات بسیار مهمی است که در جهان معاصر روی می‌دهد و پیامدها و آثار آن تا مدت‌ها روندهای عمده و راهبردی را با تغییرات عمیق و گسترده‌ای همراه می‌کند. اگرچه این جنگ با هدف راهبردی رسیدن به صلح (بخوانید تسلیم) با ضربه سنگین، کوتاه‌مدت و برق‌آسا و خشن آغاز شد، اما پیش‌تر ایران هشدار داده بود که ممکن است شروع این جنگ با شما باشد، اما پایان آن دیگر به دست شما نخواهد بود. البته چنین نشد و جنگ از آنچه آمریکا، اسرائیل و بسیاری از کشورهایی که به آنان چنین وعده‌ای داده شده بود، فراتر رفت و برخلاف پیش‌بینی‌ها اهداف استراتژیک «ایجاد صلح از طریق اقدام انفجاری و پرقدرت» حاصل نشد. در مقابل، ایران با تاب‌آوری نظامی و ملی و وحدت و انسجام مردمی و نیز کارنامه بسیار قابل قبول دولت و نظام حکمرانی، توانمندی‌های بالقوه و پنهان خود را آشکار کرد و در مقام یک قدرت نوظهور در عرصه بین‌المللی تثبیت شد. به نظر می‌رسد پایداری ایران در این جنگ بسیاری از معادلات قدرت و توازن‌ها را در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای دستخوش تغییر خواهد کرد که در ادامه به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱- آمریکا و اسرائیل به‌عنوان دو قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای و با اعتمادبه‌نفس بسیار و بدون آنکه نیاز به ایجاد یک ائتلاف بین‌المللی و منطقه‌ای را احساس کنند، آغازگر جنگی شدند که روی پیروزی قاطع و سریع در آن شرط بسته بودند، اما تمهیدات و تدارکاتی که ایران برای احتمال چنین جنگی دیده بود و حق بزرگی که درایت و حکمت رهبر شهیدمان در این تدبیراندیشی بر کشورمان داشت، دشمن را در هدف‌گذاری، راهبرد و حتی تاکتیک شکست داد. کشورهای منطقه اعم از کنشگران فعالی نظیر ترکیه، مصر و عربستان و کنشگران درگیری نظیر قطر و امارات که از تحولات این جنگ یادداشت برمی‌داشتند، به‌تدریج دریافتند که ایران بسیار فراتر از آن چیزی است که گمان می‌بردند و آمریکا و اسرائیل نیز با سردرگمی‌هایی که از خود نشان دادند، با محدودیت‌های جدی راهبردی روبه‌رو هستند. تردید در توانایی‌های آمریکا در مدیریت جنگ، به نوعی بی‌اعتمادی پنهان و آشکار انجامیده است که شاید دیگر آمریکا آن متحد قابل اعتماد برای سپردن امنیت خود به آن کشور نباشد. چنین ذهنیتی بر نگرانی‌های امنیتی و نظامی کشورهای غرب آسیا افزوده است و بی‌دلیل نیست که ترکیه درصدد برآمده است که زرادخانه تسلیحاتی خود را به میلیون‌ها پهپاد و موشک تجهیز کند یا عربستان با کمک اوکراین با تولید پهپاد در راهبرد نظامی و امنیتی خود تجدیدنظر کند. به نظر می‌رسد این بازگشت به خود که ناشی از اعتماد بیش از حد به آمریکا بوده است، گسترش بیشتری بیابد. برای مثال امارات متحده عربی نیز با تجربه‌ای که از این جنگ پیدا کرد، اکنون درصدد ایجاد یک گنبد آهنین مستقل از سایر کشورهای همکاری خلیج فارس است و با انتقادهای مکرر، نارضایتی خود را از این شورا و به‌ویژه عربستان بروز داده است. امارات همچنین به‌عنوان یکی از صادرکنندگان مطرح نفت خام به‌تازگی اعلام کرد از اوپک و اوپک‌پلاس هم خارج می‌شود. این تصمیم قاعدتا سلطه عربستان را در اوپک تضعیف می‌کند و رقابت جدیدی را میان تولیدکنندگان نفت به‌ویژه در نبود پایبندی به سقف تولید توافقی نفت افزایش می‌دهد. همچنین نگرانی‌ها به خاطر شیوه برخورد اسرائیل با مسائل مختلف منطقه و یک‌جانبه‌گرایی آن رژیم در تنش‌آفرینی و ایجاد زمین سوخته در کشورهای عربی افزایش یافته است. درعین‌حال افزون بر گرایش این کشورها برای اتکای بیشتر به منابع داخلی، به سوی همکاری‌های بیشتر منطقه‌ای روی می‌آورند، اگرچه نمی‌توان بر این فرایند ائتلاف نام گذاشت ولی در هر حال این اقدامات نیز افزایش یافته است. می‌توان گفت نشست‌های متعدد ترکیه، عربستان، مصر و پاکستان در سطوح مختلف سیاسی و امنیتی گواه این نگرانی‌هاست. در مجموع به نظر می‌رسد فرصت مناسبی برای تحقق همکاری‌های منطقه‌ای در غرب آسیا فراهم شده است، به نحوی که در کنار بی‌اعتمادی موجود درباره راهبردهای آمریکا و نفرت فزاینده از اسرائیل، ایران با اعتمادسازی و تأکید بر هم‌سرنوشتی و امنیت همه‌جانبه منطقه‌ای دست آمریکا و اسرائیل را از غرب آسیا کوتاه کند.

ادامه در صفحه ۳

در «شرق» امروز می‌خوانید: واکنش انجمن تهیه‌کنندگان مستقل سینمای ایران به سرقت فیلم‌های ایرانی • بازگشت دوباره مخاطبان به سالن‌های تئاتر • اولتیماتوم ترامپ به اتحادیه اروپا

«شرق» روایت می‌کند؛ در حالی که مذاکرات ادامه دارد، ردوبدل آتش در خلیج فارس وارد مرحله تازه‌ای شده است

خلیج فارس میان آتش بس شکننده

گزارش تیتر یک را در صفحه ۲ بخوانید

روایت میدانی «شرق» از آتش‌سوزی «مجتمع ارغوان اندیشه شهریار» که جان ۱۱ نفر را گرفت

سوختن در ۱۵ دقیقه همه‌چیز در آتش ماند

این گزارش را در صفحه ۵ بخوانید. عکس: نادیا پرمه، مهر

یادداشت

از بعثت «مردم» تا بعثت «جمهوری اسلامی»

امیر ثامنی

«بعثت» به مفهوم برانگیختن از سکون، گسیل‌داشتن و حرکت‌آفرینی است. به تعبیر رهبر شهید انقلاب، اگر حادثه‌ای برای کشور رخ دهد، «مردم» برای نجات کشور مبعوث خواهند شد؛ اتفاقی که رخ داد و خواب آشفته فروپاشی سه‌روزه نظام پس از شهادت رهبری تعبیر نشد. اما در دوران پساجنگ، مسئولیت بعثت دیگر بر عهده «مردم» نیست و این «جمهوری اسلامی» است که به شکرانه بعثت مردم در ایام جنگ، باید برای عبور کشور از شرایط اضطراری و رساندن کشتی جنگ‌زده کشور به ساحل توسعه و رفاه، مبعوث شود؛ بعثتی که مستلزم نصب و راه‌اندازی نسخه نوینی از حکمرانی روی سیستم‌عامل جمهوری اسلامی در آستانه ورود به نیم‌قرن بعدی است.

به عبارت بهتر «تغییر ریل» در حکمرانی جمهوری اسلامی پس از جنگ یک انتخاب نیست، بلکه یک ضرورت راهبردی است؛ تغییر ریلی که صرفا نباید محدود بر انجام برخی اصلاحات مدیریتی یا جابه‌جایی اشخاص در مناصب اجرائی باشد؛ بلکه به معنای لزوم بازنگری اساسی در بسیاری از مفروضات و سنت‌های جاری در مدیریت کشور، نحوه توزیع قدرت و پاسخ‌ده کردن آن، الگوی تصمیم‌گیری و بازتنظیم نسبت میان دولت با جامعه، اقتصاد و جهان است. آنچه از مرور عملکرد پنج دهه اخیر جمهوری اسلامی برمی‌آید، این است که کشور، با وجود دستاوردهای مهم و انکارناپذیر در توسعه زیرساخت‌ها، گسترش شبکه‌های خدمات عمومی، ارتقای ظرفیت‌های انسانی، تقویت بنیان‌های امنیتی و حفظ انسجام سرزمینی، در تبدیل این ظرفیت‌های انباشته به رشد پایدار، رفاه عمومی، رضایت اجتماعی و فراوری موقعیت نسبی ایران در محیط منطقه‌ای و جهانی توفیق کافی نداشته است. به بیان دیگر، مسئله اصلی کشور در آستانه ورود به نیم‌قرن دوم، نه فقدان ظرفیت‌های بنیادین رشد و توسعه، بلکه ضعف و خطاهای مشهود در بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها در چارچوب یک حکمرانی کارآمد، منسجم، آینده‌نگر و مبتنی بر منافع ملی (National Interest) است. ضمن آنکه با وقوع جنگ و از بین رفتن یا آسیب‌دیدن بسیاری از زیرساخت‌های پیشین و فعال‌شدن احتمالی گسل دولت-ملت در شرایط اضطراری تحمیل فشار معیشتی به جامعه (تعطیلی کسب‌وکارها، جیره‌بندی‌ها، بازگشت کوپن‌ها و...) بازسازی کشور دیگر با مناسک پیشینی حکمرانی ممکن نیست و به یک تحول درونی، شالوده‌شکن و معبرگشا نیاز دارد.

باید اذعان کرد که جنگ رمضان صرفا یک واقعه نظامی عادی با تهاجم ایالات متحده و اسرائیل به خاک ایران نبوده، بلکه برون‌داد اقتضائات زایش یک نظم جدید در منطقه و جهان؛ اعم از رقابت بزرگ میان چین و آمریکا بر سر دستیابی به جایگاه قدرت اول جهانی و نیز نتیجه قطعی استمرار سیاست خارجی کشور در حوزه نفی سلطه‌پذیری قدرت‌های مداخله‌گر و به عبارت بهتر استعمارگر ستیزی (آمریکاستیزی) نهادینه‌شده در ساختار حکمرانی کشور بوده است. در نتیجه این جنگ، بسیاری از تعارض‌ها، ناترازی‌ها و ناکارآمدی‌های نهفته در ساختار و سازوکار حکمرانی به سطح آشکار و عیان رسیده و علاوه‌برآن بسیاری از برجستگی‌ها و ویژگی‌هایی مانند توان نظامی نیروهای مسلح کشور یا انسجام نسبی در بافتار اجتماعی کشور حول محور ایران (برخلاف تصور و تحلیل‌های مرتبط با حوادث دی‌ماه ۱۴۰۴) که از سوی افکار عمومی در کشور قبلا خیلی مورد اعتنا قرار نمی‌گرفت، فهم شد و جا افتاد.

براساس‌این در فرصت پساجنگ و نسخه جدید جمهوری اسلامی، حکمرانی باید از پارادایم «تمنای بقا» به پارادایم «تقلای توسعه» گذار کند. این گذار مستلزم آن است که حل بنیادین مسائل انباشته اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی در کانون تصمیم‌گیری قرار گیرد و مدیریت کشور از حالت واکنشی، مقطعی و بحران‌محور (زیست آتش‌نشانی حکمرانی)، به سمت سیاست‌گذاری منسجم، هوشمند، منفعت‌گرا و مبتنی بر بینش راهبردی (زیست توسعه‌گرای حکمرانی) حرکت کند. در غیراین‌صورت، بی‌شک پساجنگ به سبب حجم بالای تخریب‌ها و آسیب‌های جدی به بنیان‌های تولید و صادرات کشور و قرارگیری کشور در شرایط فشار تحریمی فزاینده و قطع دسترسی به مجاری تنفسی پیشین (در صورت دست‌نیافتن به توافق جامع)، می‌تواند تلخی‌های بی‌پایانی را گریبان‌گیر معیشت و اقتصاد جامعه کرده و این بار صبر و شکیبایی مردم در برابر کمبودها، جیره‌بندی‌ها و نارسایی‌ها را به آزمایش جدی بگذارد!

یکی از مهم‌ترین الزامات تغییر ریل و طراحی نسخه جدید جمهوری اسلامی، بازتعریف رابطه دولت-ملت و بازسازی مبانی مشروعیت حکمرانی و ترمیم اعتماد عمومی آسیب‌دیده است. تجربه دو دهه اخیر به‌وضوح نشان داده است که شکاف فزاینده میان جامعه و نظام حکمرانی (در موضوع حجاب، فضای مجازی و...)، به یکی از مهم‌ترین موانع توسعه ملی و تحقق ثبات درونی کشور تبدیل شده است. انباشت نارضایتی‌های ناشی از فساد، تبعیض و ناکارآمدی منجر به صدمه‌دیدن حس باورمندی، کاهش مشارکت سیاسی و فرسایش سرمایه اجتماعی در کشور شده و این واقعیت انکارناپذیر است که بدون ترمیم و بازمعماری این رابطه بنیادین، هیچ برنامه توسعه‌ای حتی اگر از نظر فنی دقیق و از جنبه مالی تأمین‌یافتنی باشد، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. ازاین‌رو در دوره جدید، جمهوری اسلامی نیازمند آن است که خارج از تعارفات و شعارها، «مردم» نه صرفا ولی‌نعمتان زینتی و لسانی، بلکه شرکای واقعی حاکمیت در مسیر توسعه تلقی شده و نظام حکمرانی با تغییر دال مرکزی مشروعیت خویش به «کارآمدی اقتصادی» و «پاسخ‌گویی به مطالبات عمومی»، زمینه مشارکت مؤثرتر مردم در اداره امور کشور، افزایش شفافیت، الغای تبعیض‌های ناروا و بسط احساس تعلق و اعتماد ملی را فراهم آورد.

یکی از راهبردهای اثربخش در این مسیر ارتقای نسخه حکمرانی از صرفا اکتفا به مشارکت مردم در انتخابات و تظاهرات خیابانی، به «مردم‌سالاری اقتصادی» و به میدان آوردن همه مردم ایران (فارغ از سخت‌گیری‌ها و خودی و غیرخودی‌سازی اقشار مختلف) در مسیر بازسازی و رنسانس اقتصادی کشور است؛ موضوعی که نیازمند اصلاح بنیادین در نظام توزیع یارانه‌ها و رانت‌های موجد تولید، مبارزه جدی با ساختارها و سازوکارهای غیرمولدساز سرمایه‌ها (از طریق مالیات بر سوداگری و واسطه‌گری) و هدم بیراهه‌های ثروت‌اندوزی مسیرهای اقتصاد غیررسمی و سمی در کشور است.

دومین ضرورت و بایسته تغییر ریل در حکمرانی، به رفع برخی گره‌های کور در سطح ساختار نهادی و حقوقی حکمرانی کشور بازمی‌گردد. ضرورت مهمی که بخشی از علل زیرین و ریشه‌ای ناکارآمدی مزمن در ایران بوده که تا به آنها با شجاعت و جسارت پرداخته نشده و با فهم چرایی شکل‌گیری، تیزی تیغ جراحی‌های ما به این کانون‌های تولید درد اصابت نکند، اصلاحات در کشور و رسیدن به یک جهش معنادار در توسعه کشور در پساجنگ، چیزی جز ساده‌سازی مسئله نیست. این گره‌های کور در حکمرانی به چندگانگی در ساختار تصمیم‌گیری، تداخل کارکردی نهادها، ضعف در انتصاب روشن مسئولیت‌ها، محدودبودن نظام پاسخ‌گویی و غلبه ملاحظات سیاسی و منطق کوتاه‌مدت‌نگر بر منطق بلندمدت‌نگر و توسعه‌گرا بوده است.

در چنین وضعیتی، حتی وجود منابع، ظرفیت‌ها و برنامه‌ها نیز الزاما به حل مسئله منجر نمی‌شود، زیرا خود ساختار و سازمان تصمیم‌گیری به عاملی بازدارنده در مسیر اصلاحات تبدیل می‌شود. ازاین‌رو نسخه جدید با فهم این نقص بزرگ و بنیادین، ناگزیر از حرکت به سمت حکمرانی منسجم‌تر، هماهنگ‌تر و متکی بر تقسیم کار روشن نهادی با هدف قراردادن رفع این گره کور است؛ نوعی حکمرانی که در آن، «توسعه ملی» به‌عنوان یک پروژه ملی و میثاق جمعی ایرانیان، محور هماهنگی میان سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد، امنیت، محیط زیست و سیاست اجتماعی قرار گیرد.

سومین موضوع مؤثر بر این گذار، بایسته‌های تدوین و مبنای عمل قراردادن یک «نظریه پایه توسعه» منسجم و مورد اجماع به منظور خلق یک «روایت ملی توسعه» و پمپاژ گسترده آن در سطح جامعه به منظور هم‌داستانی و هم‌مسیری عمومی جامعه ایرانی در یک افق روشن و امیدآفرین است؛ نظریه‌ای که بتواند نسبت دولت، ملت، بازار، جامعه و جهان را در یک تنظیمات جدید با چارچوبی روشن و هم‌پیوند بازتعریف کند و مبنایی برای نصب و راه‌اندازی سیستم عامل حکمرانی نسخه جدید شود. با این تفاسیر باید گفت نسخه جدید جمهوری اسلامی، با درک این اقتضائات و الزامات، زمانی می‌تواند به معنای واقعی اجرائی شود که فهمی روشن و مورد اجماع از مبدأ، مسیر و مقصد حکمرانی حاصل آمده و با بازاندیشی درباره گفتمان «توسعه‌خواهی» درون کشور و رهاشدن مفهوم «توسعه» از اسارت کژاندیشی‌ها و سیاست‌زدگی‌ها به‌صورت یک هدف ملی، میان‌نسلی و پایدار تعریف شود؛ هدفی که همه ارکان حکمرانی خود را در نسبت با آن تنظیم کنند.

چهارمین ملاحظه مهم به بایسته‌های اصلاح دستگاه محاسباتی کشور و بازتعریف نسبت و روابط ایران با محیط منطقه‌ای و جهانی بازمی‌گردد. علل ریشه‌ای بخشی از بحران‌های انباشته سال‌های گذشته، محصول خطا در برآورد واقعیت‌های داخلی و خارجی، برداشت‌های نادقیق از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های کشور، و ناتوانی در تبدیل موقعیت ژئوپلیتیکی ایران به فرصت‌های اقتصادی و راهبردی بوده است، بنابراین تغییر ریل مستلزم آن است که حکمرانی از تصمیم‌گیری مبتنی بر پیش‌فرض‌های اثبات‌نشده و شاید غیرواقع‌بینانه، به سمت تصمیم‌گیری مبتنی بر واقعیت، داده، شواهد، ارزیابی مستمر و درک دقیق از منافع ملی حرکت کند. این امر به طور طبیعی با کاهش تنهایی استراتژیک ایران، استفاده مؤثرتر از ظرفیت‌های منطقه‌ای، تسهیل تعاملات اقتصادی و فناورانه و فراهم‌سازی زمینه مناسب‌تر برای سرمایه‌گذاری، تجارت و بازسازی ملی پیوند خواهد داشت.

پنجمین ملاحظه تأثیرگذار به ضرورت چاره‌اندیشی برای گذار از وضعیت شکنندگی مشهود منابع طبیعی و محیط زیست کشور به دلیل استمرار بیش از چهار دهه الگوی توسعه ناپایدار، منبع‌محور و مسرفانه در حوزه‌های مهمی مانند انرژی، صنعت و زیرساخت مربوط است. رویکرد جدیدی که در این حوزه در شالوده نسخه جدیدی باید نهادینه شود، ناظر بر گذار از نگاه بهره‌بردارانه و کوتاه‌مدت به رویکردی مبتنی بر پایداری، تاب‌آوری و مدیریت یکپارچه منابع است.

ادامه در صفحه ۴

برگزیده‌ها

حاکمیت دیجیتال در برابر اینترنت ماهواره‌ای

اینترنت در مدار جدید؟

۶

شکست حزب کارگر به رهبری کی‌یر استارمر زلزله‌ای بی‌سابقه در ساختار سیاسی لندن آفرید

پایان نظام دوحزبی در بریتانیا

۴

اصغر فرهادی؛ صدای سینما در برابر سیاست‌های ترامپ

از اسکار ۲۰۱۷ تا انتظار کن ۲۰۲۶

۷

«شرق» از تلاش‌های ترکیه برای دور زدن تنگه هرمز و تسهیل صادرات انرژی به اروپا گزارش می دهد

بازی دوگانه ترکیه

۳

میدان رسانه ضعیف‌ترین و هم‌زمان تعیین‌کننده‌ترین میدان است

۸

نگاه

زخم‌های خاموش جنگ

یادداشتی از سعید نبی

۸

یادداشت

مسابقات لیگ و به‌هم‌زدن بازی حریف

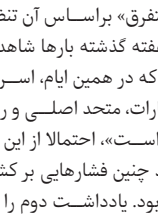

مهرداد احمدی‌شیخانی

هفته گذشته، برای پاسخ به پرسش‌هایی که پس از شروع آتش‌بس، در دیدارها مطرح می‌شد و پیام‌هایی که دریافت می‌کردم و در تشریح وضعیتی که در این بیست‌وچند روز آتش‌بس در جریان بوده، دو یادداشت در دو روزنامه مختلف منتشر کردم. اولین یادداشت را شنبه گذشته و پیش از اعلام پروژه «بازکردن تنگه هرمز» از سوی ترامپ با عنوان «اتحاد متفرق» برای روزنامه اطلاعات، در این زمینه نوشتم که چرا زنجیر اتحاد کشورهای عربی جنوب خلیج فارس شکننده است و چرا در این زنجیر اتحاد، امارات متحده عربی، ضعیف‌ترین حلقه است و با توجه به اینکه قدرت یک زنجیر، به تحمل فشار ضعیف‌ترین حلقه آن بستگی دارد، واردسازی فشار بر کشور امارات، پیش‌بینی‌پذیرترین رخداد روزهای جاری خواهد بود. برآوردی را که یادداشت «اتحاد متفرق» براساس آن تنظیم شده بود، طی هفته گذشته بارها شاهدش بودیم و از آنجا که در همین ایام، اسرائیل اعلام کرده «امارات، متحد اصلی و راهبردی ما در منطقه است»، احتمالا از این به بعد نیز بارها شاهد چنین فشارهایی بر کشور امارات خواهیم بود. یادداشت دوم را سه‌شنبه گذشته و پس از اعلام پروژه بازکردن تنگه هرمز از سوی ترامپ با عنوان «سرمایه از سرمایه‌دار جداست» در روزنامه اعتماد و براساس این پیش‌فرض نوشتم که با توجه به خطر بسیار زیاد عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز، بدون آنکه از ایران مجوز عبور داشته باشند، حتی اگر تک‌تک صاحبان این شناورها، متحد آمریکا و دشمن ایران هم باشند، امکان ندارد که جز تعدادی انگشت‌شمار، شاهد همراهی صاحبان این کشتی‌ها با پروژه ترامپ باشیم، ازاین‌رو قطعا این طرح شکست خواهد خورد، ولی اصلا انتظار نداشتم که در کمتر از ۴۸ ساعت، ترامپ آن را متوقف کند.

ادامه در صفحه ۴